

تجربه مصرف شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: شبکه اجتماعی «بی تاک»)

جمال محمدی^۱

کمال خالقی‌پناه^۲

الهه غلامی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۳

چکیده

بی تاک^۴ یک شبکه اجتماعی دسترس پذیر از طریق تلفن همراه است که طیف وسیعی از کاربران را به خود جلب کرده است. محوریت یافتن شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره، به ویژه در میان نسل نوجوان و جوان، سبب نوعی دگردیسی پایه‌ای در فرایندهای هویت‌یابی، معناسازی و به‌طور خاص در فرم و محتوای ارتباط شده است. این جستار، تحقیقی است درباره کاربران شبکه بی تاک، تعامل‌ها و فعالیت‌ها و تجارب آنها در این فضای مجازی، و احساس‌ها، لذت‌ها، معناها و نگرش‌هایی که از قبل حضور در این شبکه عایدشان می‌شود. پژوهش به شیوه کیفی انجام شده است. کاربران شبکه اجتماعی بی تاک نمونه‌های مورد مطالعه هستند که از میان دانشجویان دانشگاه کردستان انتخاب شده‌اند. برای انتخاب نمونه‌ها از شیوه نمونه‌گیری باز استفاده شده است. فن گردآوری داده‌ها مشاهده مستقیم فضای درون شبکه و مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با کاربران و روش تحلیل داده‌ها، نظریه زمینه‌ای است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شرایط / زمینه‌هایی همچون «پیگیری علایق واقعی در دنیای غیر واقعی» و «بازنمایی خواست‌ها/صداها در فضای مجازی» ورود و مشارکت کاربران در شبکه بی تاک را آسان‌تر می‌کنند؛ و عامل «دسترس‌پذیری آنی» همچون شرطی مداخله‌گر این مشارکت را تشدید می‌کند. مشارکت و فعالیت کاربران در این شبکه، ضمن تغییر تعامل‌های اجتماعی پیشین آنها در جهان واقعی، به شکل‌گیری فرم‌های نوین تعامل و ارتباط می‌انجامد که «نمایش هویت‌ساختگی»، «تجربه فضایی کارناوالی»، «سواد حبابی» و «زمان/ مکان‌زدایی از ارتباط» برجسته‌ترین خصایل این اشکال نوین ارتباطند. این مشارکت/ فعالیت همچنین واجد پیامدهایی چون «اعتیاد مجازی» و «جمع‌گرایی مجازی» در زندگی روزمره کاربران است که خود به تغییر فرایندهای کسب معنا و هویت در حیات اجتماعی آنها دامن می‌زند. می‌توان گفت حاصل مشارکت/ فعالیت کاربران در این شبکه، در کل، ورود به نوعی «ارتباط ایماژمحور و شبیه‌سازی‌شده» است که تفاوت‌هایی بنیادین با تعامل‌های واقعی جهان خارج دارد. تجربه ارتباط در اینجا دیگر آن تجربه واجد اصالت، غنا و سرزندگی نیست بلکه آنی، ساختگی و فاقد توان حیات‌بخشی است.

واژگان کلیدی: نمایش هویت‌ساختگی، تجربه فضایی کارناوالی، زمان/ مکان‌زدایی از ارتباط،

اعتیاد مجازی، جمع‌گرایی مجازی.

m.jamal8@gmail.com

Kkhaleghpanah@yahoo.com

eli.gh.eng@gmail.com

4. Bee Talk

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان؛ (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

بیان مسئله

در یکی - دو دهه اخیر، رشد اینترنت و شبکه‌های ارتباط جهانی و تأثیرات آنها در زندگی کاربران توجه برخی تحلیل‌گران را به خود جلب کرده است. در این میان، نقش شبکه‌های اجتماعی (به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی دسترسی‌پذیر از طریق تلفن همراه) با امکانات و فرصت‌های متنوعی که عرضه می‌کنند، برجستگی خاصی یافته است. می‌توان گفت رسانه‌های نوین اطلاعاتی و در رأس آنها اینترنت به نوسازی فرآیندهای اجتماعی دامن زده‌اند و تمام جنبه‌های زندگی مردم را تحت الشعاع قرار داده‌اند (جهانگرد، ۱۳۸۰: ۳). این تکنولوژی‌های ارتباطی «شکل و شرایط کنش اجتماعی و تجربه انسانی را در سراسر جهان تعیین می‌کنند» (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۳).

شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌واسطه توانشان در ایجاد ارتباطات سریع هم‌زمان و ناهم‌زمان و دسترس‌پذیر کردن حجم انبوهی از اطلاعات، نفوذ گسترده‌ای در زیست‌جهان‌های کاربران پیدا کرده‌اند. ابعاد این تأثیرگذاری امروزه وسعتی جهان‌شمول دارد، به‌طوری‌که از هر ده کاربر اینترنت در جهان، شش نفر از شبکه‌های اجتماعی بازدید می‌کنند. در چند سال اخیر با ظهور شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه دسترسی به فضاهای مجازی آسان‌تر شده است. «بر اساس آمارهای موجود، سی و پنج درصد کاربران اینترنت در ایران جوانان هستند و میانگین زمان صرف‌شده برای این امر پنجاه و دو دقیقه در هفته است» (صادقیان، ۱۳۸۹). علاوه بر جذابیت‌ها، تنوع و سرگرمی‌ها، شبکه‌های اجتماعی چارچوب تعاملی جدیدی را در برقراری ارتباطات بین‌فردی مهیا ساخته‌اند، که به‌رغم محدودیت ذاتی خود، فرصت‌های جدیدی را نیز برای نمایش شخصیت در اختیار کاربران قرار می‌دهد (ذکایی، ۱۳۸۶: ۲۸۶). به بیان دیگر، کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی حول فضای مشترکی به‌صورت مجازی دور یکدیگر جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را شکل می‌دهند.

بی‌تاک یکی از پرمصرف‌ترین شبکه‌های اجتماعی است. این شبکه علاوه بر امکانات ارتباطی مثل ارسال متن، فیلم و عکس و نیز امکان برقراری تماس صوتی، قابلیت‌های دیگری نیز دارد؛ مثلاً بخشی دارد با عنوان «باز»^۱ که در آن کاربران می‌توانند پیام‌هایشان را با دوستانشان به اشتراک بگذارند و خود نیز «پست‌های دیگران را لایک کنند یا زیر آنها کامنت بنویسند».



حتی می‌توانند تعیین کنند که چه کسانی پست‌هایشان را ببینند یا دربارهٔ آنها نظر بدهند. در بی‌تاک همچنین امکان ساخت گروه و مدیریت و کنترل کامل آن وجود دارد؛ کاربر می‌تواند کسانی را دعوت کند، گروه تشکیل دهند و تمام تجربیاتشان را با هم به اشتراک بگذارند. این شبکه قابلیت دیگری نیز دارد به نام «لوک ارون»^۱ که به کاربر این امکان را می‌دهد تا دیگر کاربران نزدیک به محدودهٔ فعلی خود را بر اساس سن و جنسیت جستجو و فیلتر کند. از این طریق می‌توان با تمام دیگر کاربران این شبکه که در موقعیت مکانی فرد هستند ارتباط برقرار کرد و برای آنها پیام، فیلم و عکس فرستاد. این قابلیت باعث می‌شود کاربر بدون نیاز به داشتن شماره‌تلفن دیگران و بی‌آنکه خود را معرفی کند با دیگران ارتباط برقرار کند.

طبیعی است که حاصل این امر شکستن نه فقط مرزها و موانع واقعی ارتباط بلکه شکستن مرزهای مجازی است. کاربر احساس می‌کند فردی ناآشنا است که با آزادی تمام به همه دسترسی دارد. می‌توان پرسید این میزان امکانات و قابلیت‌ها چه تحولی در تعامل‌های بینافردی پدید می‌آورند؟ بی‌تاک نیز مثل دیگر «رسانه‌های عمومی با امکانات و آپشن‌های فراوانی که در اختیار جوانان می‌گذارند آنها را دائماً در معرض محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار قرار می‌دهند» (فاضلی، ۱۳۹۱). این شبکه‌ها فضاهای نمادین تعاملی را به‌شکلی روزافزون متنوع و حتی نامتجانس می‌کنند. به تعبیر کازنو، «اگر دگرگونی در تکنولوژی‌های ارتباطی را موجب دگرگونی فرهنگی بدانیم، باید اذعان کنیم که تکنولوژی‌های جدید ارتباطی که تناسبی با فرهنگ پیشین ندارند، عدم تجانس نسبتاً بادوام آفریده‌اند. این عدم تجانس یا به اصطلاح تأخر فرهنگی موجب پیدایی بحران فرهنگی شده است که با دگرگونی‌های اجتماعی بروز و ظهور پیدا می‌کند» (کازنو، ۱۳۷۰: ۴۱-۳۷). امروزه دسترسی آسان شبکه‌هایی همچون فیس‌بوک، اورکات، فای‌اپیس، وایبر، تانگو، واتس‌آپ، تلگرام، بی‌تاک، لاین و امثال این‌ها، شکل و محتوای حیات اجتماعی و کنش‌های ارتباطی و ابزاری را چنان دگرگون کرده است که دیگر قضاوت کردن در این باره با تکیه بر مقولات قدیم چندان آسان نیست.

مسئلهٔ این پژوهش فهم «تحول کیفیت ارتباط» به سبب سیطرهٔ روزافزون شبکه‌های اجتماعی، از طریق مطالعهٔ تجربه‌های کاربران یکی از پر مصرف‌ترین این شبکه‌ها، بی‌تاک، است. در واقع چگونگی شکل‌گیری و تحول تجربهٔ ارتباط نزد پرسه‌زنان شبکه‌های اجتماعی مسئله است.





آنچه واکاوی می‌شود جنس و فرم و محتوای این ارتباط است و برای این امر مقولات تحلیلی جدیدی باید صورت‌بندی شود تا فهم این تعامل‌ها امکان‌پذیر گردد. اینکه در متن این فرهنگ‌آکنده از تفنن، شبیه‌سازی‌ها و وانموده‌ها، چه نوع ارتباطی می‌تواند شکل بگیرد و کاربران فرایندهای هویت‌یابی، معناسازی و لذت‌جویی را چگونه تجربه می‌کنند، مسئله این پژوهش است. به بیان مشخص‌تر، این پژوهش می‌خواهد روشن کند که دلایل و انگیزه‌های کاربران بی‌تاک برای مشارکت در این شبکه چیست؟ تعاملات و روابط مجازی در اینجا چگونه است و چه پیامدهایی در زندگی کاربران دارد؟ کاربران این فضا را چگونه تجربه و مصرف می‌کنند؟ چه لذت‌ها، استفاده‌ها، معناها، دلالت‌ها و تجاربی از این فضاها برمی‌گیرند؟ کدام ابعاد حیات ذهنی و عینی‌شان را در معرض دید و شنود «دیگران» قرار می‌دهند و چه دلالت‌ها و معناهایی به کنش‌های ارتباطی‌شان نسبت می‌دهند؟

ادبیات پژوهش

در حوزه جامعه‌شناسی رسانه‌ها، مطالعات فرهنگی رسانه‌ها و به‌طور کلی تأمل جامعه‌شناختی در شبکه‌های مجازی، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. بسیاری از تحقیقاتی که درباره شبکه‌های مجازی انجام شده، رابطه این شبکه‌ها با پدیده‌های اجتماعی بیرونی (مثل هویت، سرمایه فرهنگی، اوقات فراغت، سبک زندگی و غیره) را بررسی کرده‌اند یا به مطالعه‌ی بازنمایی پدیده‌های اجتماعی در این شبکه‌ها پرداخته‌اند. مثلاً پژوهش رفعت‌جاه و شکوری با عنوان «اینترنت و هویت اجتماعی» (۱۳۸۷) ذیل گروه اول قرار می‌گیرد. میدان مطالعه این تحقیق شهر سنج است. آنها به مطالعه دو گروه از دختران (کاربران اینترنت و ناکاربران) پرداخته‌اند و کوشیده‌اند تأثیر اینترنت بر ابعاد هویت اجتماعی (از جمله هویت دینی، هویت قومی، هویت خانوادگی و هویت شخصی) را نشان دهند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که در میان دو گروه مذکور به‌لحاظ هویت‌های متفاوت، تفاوت‌های معناداری وجود دارد و هویت دینی، خانوادگی و شخصی در افراد گروه اول، نسبت به افراد گروه دوم از قوت کمتری برخوردار بود. این موضوع از یک‌سو بیانگر کاهش تأثیر ابرازها و فرایندهای سنتی در فرایند هویت‌سازی، و از سوی دیگر بیانگر تحول کیفی مؤلفه‌های هویت‌یابی در عصر جدید است؛ چیزی که غالباً خارج از کنترل مراجع سنتی (خانواده، قومیت و دین) و ساختارهای رسمی

(نهادهای متولی نظارت اجتماعی و برنامه‌ریزی فرهنگی) قرار دارد.

در پژوهشی دیگر از همین نوع، با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان شهر کرد» (۱۳۹۰)، شاهنوشی و تاجی به این نتایج دست یافته‌اند که بین نوع شبکه، محل سکونت، انسجام ارزشی و سبک زندگی رابطه‌ای وجود ندارد ولی بین متغیرهای جنسیت، میزان تحصیلات، انسجام رابطه‌ای، تجمع اجتماعی و سبک زندگی رابطه معناداری هست. سبحانی‌نژاد و فتحی نیز در تحقیقشان، «راهکارهای توسعه و بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس» (۱۳۸۸)، برخی پیامدهای نامناسب اجتماعی تلفن همراه را چنین برشمرده‌اند: اعتیاد روانی، تزلزل ارزش‌ها، کاهش تعامل‌های اجتماعی، ظهور تخلف‌های سایبری و پیامک‌های غیراخلاقی.

نوع دیگری از تحقیقات در این حوزه عمدتاً به تحلیل شیوه‌های مصرف این شبکه‌ها توسط کاربران می‌پردازد، یعنی می‌کوشند نشان دهند که انگیزه‌ها، دلایل و زمینه‌های آسان‌کننده روی آوردن مصرف‌کنندگان به این شبکه‌ها کدامند و کاربران چگونه به‌میانجی مصرف این شبکه‌ها، به فرایند معناسازی، هویت‌یابی و لذت‌جویی دست می‌زنند. به‌طور مثال، شهابی و بیات در پژوهشی با عنوان «اهداف و انگیزه‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ مطالعه‌ای درباره جوانان شهر تهران» (۱۳۹۱) کوشیده‌اند علل حضور کاربران جوان تهرانی در شبکه‌های مجازی را تبیین کنند. این مطالعه مبتنی بر چارچوب نظری «استفاده و رضایت‌مندی» است و یافته‌ها حاکی از آنند که اکثر کاربران به‌منظور تسهیل روابط فعلی، احیای روابط قدیمی، ایجاد و حفظ روابط دوستانه بدان روی آورده‌اند و فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی را سیاسی نمی‌دانند.

کوکس و هلن (۱۹۹۰) نیز در یک پژوهش تجربی نشان دادند که ارتباطات تلفنی باعث بزرگ‌تر شدن شبکه اجتماعی میان افراد از طریق امکان برقراری ارتباطاتی می‌شوند که به طریقه چهره‌به‌چهره مقدور نیست. در نتیجه تلفن همراه باعث گسترده شدن سطوح ارتباطاتی در روابط اجتماعی می‌شود. در ضمن، تلفن همراه به تقویت روابط نزدیک میان افراد نیز کمک می‌کند. این کار از طریق برقراری روابط در زمان‌هایی که از نظر مکانی با یکدیگر فاصله دارند، ممکن می‌شود.

امروزه نگرانی‌ها در مورد چگونگی استفاده از تلفن همراه و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی





افزایش یافته است؛ از جمله: استفاده شدید از تکنولوژی‌های تلفن همراه مانع گفتگوی باز و عمومی بین افراد می‌شود، بنابراین این عنصر اساسی جامعه مدنی با روابط شبکه‌ای جایگزین می‌شود. به بیان دیگر، ارتباطات تلفن همراه به رشد انزوای اجتماعی دامن می‌زند و به کناره‌گیری از فرایند مشارکت مدنی و دموکراتیک کمک خواهد کرد. در عین حال پژوهش‌های دیگری نشان می‌دهند که استفاده از تلفن همراه می‌تواند به گسترش شبکه‌های شخصی بینجامد، زمان اوقات فراغت را زیاد کند و تعامل عمومی را افزایش دهد (بخشی و همکاران، ۱۳۹۲).

به طور کلی، پژوهش‌های انجام شده بیشتر بر بعد پیامدی و آسیب‌شناسی حضور کاربران در این شبکه‌ها تمرکز کرده‌اند و نگاهی بیرونی و کمی به فضای مجازی داشته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا با نگاهی کیفی و عمق‌نگر، تجربه‌ها، لذت‌ها و معناهایی که کاربران با پرسه‌زنی در یک شبکه اجتماعی، بی‌تاک، کسب می‌کنند مورد تحلیل ژرف قرار گیرد و عمده‌ترین مقولات این تعامل‌ها شناسانده شود.

رویکرد نظری

امروزه بخش اعظم فرهنگ مدرن از طریق رسانه‌های ارتباطات جمعی منتقل می‌شود. این رسانه‌ها با پخش اپرا و موسیقی کلاسیک، تعریف داستان‌هایی درباره زندگی سیاستمداران، انتشار آخرین اخبار و شایعه‌ها درباره هالیوود و... زمینه ایجاد تغییرات ژرفی در تجربه پدیدارشناختی زندگی در عصر مدرن را فراهم می‌آورند (استیونسون^۱، ۱۹۹۵: ۳). به قول دیوید چینی، تمام ابعاد تجربه زیسته ما به میانجی فعالیت‌های برساننده منابع بازنمودی صورت‌بندی و منعکس می‌شود (چینی^۲، ۱۹۹۴: ۶۷). رشد و گسترش این رسانه‌ها در مدرنیته متأخر چنان بوده است که اکنون تقریباً کمتر کسی در پیدایش چیزی به اسم «اجتماع مجازی»^۳ تردید دارد. شبکه‌های اجتماعی مجازی در زمره جدیدترین فناوری‌های ارتباطی اند که به کاربران برای حفظ روابط اجتماعی موجود، پیدا کردن دوستان جدید و سهم شدن در تجربه‌ها کمک می‌کنند و زمینه عضویت، فعالیت و مشارکت هدفمند آنها را فراهم می‌آورند (ماساری^۴، در سعیدی و

1. Stevenson
2. Chaney
3. virtual community
4. Massari

کیا، ۱۳۸۵). مشارکت جوانان در این شبکه‌ها هر روز رو به افزایش است و اکنون به یکی از رسانه‌های محوری زندگی جوانان تبدیل شده‌اند (پلینگ و وایت، در خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۳). کاربران جوان ایرانی نیز از بستر این دنیای ارتباطی به‌دور نمانده و در میان دیدگاه‌های متفاوت تأییدکننده و نفی‌کننده، با استقبال کم‌سابقه‌ای حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایلی را تجربه می‌کنند. خود اصطلاح اجتماع مجازی گویای تأثیر عظیم ارتباطات اینترنتی بر فرایندهای کنش متقابل و آشکال روابط جمعی منتج از آن است. این اجتماع می‌تواند از مرزهای جغرافیایی و زمانی فراتر رفته و به افراد آزادی شرکت در صور نوین روابط جمعی را فراسوی محدودیت‌های فیزیکی محل زندگی‌شان عرضه کند (بنت، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

یکی از اصلی‌ترین ابزارهای پدیدآورنده این حجم عظیم از ارتباطات، تلفن همراه است. برخی از پژوهشگران حوزه تلفن همراه معتقدند باید از فرهنگ جدیدی به نام «فرهنگ تلفن همراه» یا شکل‌گیری «نسل انگشت شست» سخن گفت (گوگن و پلانت، در خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۳). در این فرهنگ، با توجه به نوگرایی جوانان و علائق وافر آنها به فن‌آوری‌های نوین و انعطاف‌پذیری بیشتر آنان، بیشترین اثرپذیری فرهنگی از فن‌آوری‌های تلفن همراه در میان نسل جوان مشاهده می‌شود. بعضی از پژوهشگران از فرهنگ اخیر با تعبیر شمشیر دولبه یاد کرده‌اند (لورنته، در سعیدی و کیا، ۱۳۸۵).

فرهنگ بصری و فضای مجازی محصول و مقوی جهانی شدن هستند. جهانی شدن فرایندی چندبعدی است که طی آن نظم و ترتیب‌های اجتماعی و سامان‌های سیاسی-فرهنگی از زیر سیطره الزام‌ها و محدودیت‌های جغرافیایی رها می‌شوند و افراد نیز به‌شکلی فزاینده از رفع شدن این محدودیت‌ها آگاهی می‌یابند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۳). بنابراین، جهانی شدن تشدید روابط اجتماعی به‌نحو جهان‌شمول است که طی آن مکان‌های دور از هم چنان به هم مرتبط می‌شوند که اتفاقات هر محل زاینده حوادثی می‌شود که فرسنگ‌ها دورتر به‌وقوع می‌پیوندد. جهانی-شدن فضایی تضادآمیز است که در آن امر جهانی و امر محلی دائماً با هم در ستیزند و در عین حال رابطه‌ای دیالکتیکی با هم دارند، بدین معنا که امر جهانی از طریق خاص بودن و به‌میانجی فضاهای خاص عمل می‌کند (هال، ۱۳۸۸: ۳۲۴). به سخن دیگر، جهانی شدن مستلزم درهم‌تنیدگی عام‌گرایی و خاص‌گرایی است؛ مستلزم فشرده‌گی تمام جهان و در عین حال افزایش خودآگاهی است. در این وضعیت، تمدن‌ها، منطقه‌ها، دولت/ملت‌ها ملزم می‌شوند





تاریخ و هویت خاص خود را بسازند (رابرستون، ۱۳۸۸: ۱۵).

در متن این وضعیت است که شبکه‌های اجتماعی مجازی به محور و به وسیله اصلی برقراری تعامل‌های بین‌افردی و بین‌فرهنگی تبدیل می‌شوند. در واقع، این شبکه‌ها خدمات «آنلاین» هستند که به افراد امکان می‌دهند در متن یک نظام خاص «پروفایلی» برای خود ایجاد کنند، خود را به دیگران بشناسانند، اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند و با دیگران وارد تعامل شوند و حتی انواع روابط جدید برای خود ایجاد کنند (بوید^۱ و الیسون^۲، ۲۰۰۷: ۱۲). بنابراین، می‌توان گفت امروزه بخش عظیمی از کنش‌های اجتماعی در این دنیای مجازی محقق می‌شوند و در اینجاست که کنشگران در پی کسب تجارب، لذت‌ها، معناها و هویت‌ها مانور می‌دهند. به تعبیر آنجلا جی آگوآیو^۳، «رسانه‌های جدید اغلب با محتوای تولیدشده از سوی کاربران و دروازه بانی از سوی آنها، ده‌ها میلیون بیننده و خواننده را به مشارکت و تعامل در مورد محتوای به اشتراک گذاشته شده فرا می‌خوانند. امروزه شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توییتر، یوتیوب، مای اسپیس، بی‌تاک، تلگرام، وایبر و حتی وبلاگ‌ها، پادکست‌ها، فروم‌ها و اجتماعات محتوای^۴ نیز عملاً شیوه‌هایی از کنشگری و تعامل را دامن می‌زنند» (آگوآیو، ۲۰۱۱: ۳۶۳).

از منظری دیگر می‌توان شبکه‌های اجتماعی را از حیث «نوع استفاده» (آموزشی، سرگرمی، تجاری، سیاسی و...)، «تمرکز» (پوشش موضوعی و جهت‌گیری خاص / عام) و «نوع دسترسی» (محدود / نامحدود) طبقه‌بندی کرد. اما حتی به‌رغم این دسته‌بندی‌ها تمام این شبکه‌ها و جوه اشتراکی دارند که زمینه تعامل کاربران را فراهم می‌سازند. برخی از این وجوه اشتراک عبارتند از: ارائه ابزارهایی پیشرفته برای به اشتراک گذاشتن محتوای دیجیتالی (متن‌ها، تصاویر، ویدئوها، موسیقی، برجسب‌ها و...)، ارائه سازوکارهای اجتماعی کردن اعضا، مشارکت آزاد و فعالیت اعضا در مقیاس وسیع، تنوع عظیم مطالب و موضوعات و توانایی بایگانی داده‌ها، دسترسی آزاد به داده‌های همگانی، برقراری تعامل‌هایی با شکل و کیفیت جدید (شهابی و بیات، ۱۳۹۱: ۱۵۲). این وجوه مشترک حکایت از آن دارد که شبکه‌های اجتماعی بیش از هر چیز قلمرو تعامل، پرسه‌زنی، معناسازی، لذت‌جویی و هویت‌یابی‌اند. لذا اصلی‌ترین پشتوانه نظری پژوهش حاضر

1. Boyd
2. Ellison
3. Angela J. Agoayo
4. content communities

این گزاره نظری است که در دوران مدرنیته متأخر، همزمان با گسترش و سیطره فناوری‌های دیجیتال و وسعت یافتن قلمروهای تعامل و کنشگری، فرایندهای برساخت دیالکتیکی معانی، لذت‌ها و تجارب به‌غایت پیچیده و چندبعدی شده‌اند، به‌طوری‌که برای درک این موضوعات همواره نیازمندیم جهان زندگی واقعی و جهان زندگی مجازی را توأمان بررسی کنیم.

روش‌شناسی پژوهش

تلاش این تحقیق، تفسیر ژرف‌نگرانه «تجربه ارتباطی» در شبکه اجتماعی بی‌تاک است. به تناسب این هدف و این موضوع، تحقیق حاضر در چارچوب روش‌شناسی کیفی انجام گرفته است. در این روش‌شناسی، ماهیت موضوع است که روش مطالعه را تعیین می‌کند. «اساساً پژوهش کیفی سه جزء یا مؤلفه دارد: نخستین آن داده‌ها است که می‌توان آن را از منابع مختلف نظیر مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک و فیلم حاصل کرد. دوم ترتیبات عملی یا گام‌هایی‌اند که پژوهشگران می‌توانند از آنها برای تفسیر و سازمان دادن به داده‌ها استفاده کنند (یا کلاً فرایند کدگذاری) و سوم تهیه گزارش‌ها کتبی یا شفاهی» (استراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۳۳). چنانکه پیداست این تحقیق از میان انواع روش‌های کیفی، برای گردآوری و تحلیل داده‌ها مشخصاً از نظریه زمینه‌ای استفاده کرده است.

میدان مطالعه این پژوهش کاربران شبکه اجتماعی بی‌تاک هستند که از میان دانشجویان دانشگاه کردستان انتخاب شده‌اند. نمونه‌گیری از این مطلعین به‌صورت نمونه‌گیری باز انجام شده است: «در جریان نمونه‌گیری باز، انتخاب مصاحبه‌شوندگان یا مکان‌هایی که باید در آنها مصاحبه صورت گیرد، به این معنا باز است که می‌توان هر شخص یا مکان یا زمانی را از روی یک لیست به‌شیوه منظم انتخاب کرد و مورد مصاحبه یا مشاهده قرار داد» (همان: ۲۴۴). خود شبکه بی‌تاک این امکان را فراهم می‌سازد که پژوهشگر پی‌برد دم‌دست‌ترین و نزدیک‌ترین کاربران آن در یک مکان یا محل چه کسانی هستند. ما نیز با تکیه بر همین امکان (یعنی با کلیک گزینه «لوک ارونند»، «رادار»^۱ و «فلیپ»^۲ در درون خود شبکه) کاربران را پیدا کردیم. دقیق‌تر بگوییم، برای جستجو و یافتن مطلعین از سه طریق وارد شدیم:

۱. بعد از ثبت نام و عضو شدن در بی‌تاک، با استفاده از قابلیت «رادار» و «فلیپ» هر گروهی

1. Radar

2. Flip





را که در این شبکه با عنوان «دانشجویان دانشگاه کردستان» یا عناوین مشابه تشکیل شده بود جستجو و با اعضای آنها ارتباط یافتیم و از آنها برای مصاحبه دعوت نمودیم.

۲. خود اقدام به ساخت چندین گروه کردیم و با عناوینی همچون «دانشجویان دانشکده علوم انسانی»، «دختران دانشگاه کردستان» و «دانشجویان کُرد» از کاربران دعوت کردیم تا در این گروه‌ها عضو شوند.

۳. در فضاهای درون دانشگاه از بی‌تاک استفاده می‌کردیم و با استفاده از قابلیت «لوک اروند» کاربران آن حوالی را جستجو می‌کردیم و با آنها برای انجام مصاحبه حضوری ارتباط برقرار می‌کردیم. این روش مفیدترین روش بود.

به این سه شیوه و نیز با در نظر گرفتن سن، جنسیت، رشته و مقطع تحصیلی با ۲۱ نفر از کاربران شبکه بی‌تاک مصاحبه کردیم. با توجه به اینکه نوع نمونه‌گیری ما نظری/هدفمند بود، بعد از مصاحبه عمیق با این تعداد کاربر احساس کردیم پاسخ‌ها و تجربیات آنان تکراری است و به لحاظ نظری به نقطه اشباع رسیده است، لذا مصاحبه‌ها را متوقف کردیم. نوع مصاحبه در اینجا مصاحبه نیمه‌ساخت یافته^۱ است؛ «مصاحبه‌هایی که ساختار منظمی ندارند و همراه با رهنمودهای کلی به پاسخگو مجال بیشتری برای پاسخ‌دادن بر مبنای اولویت‌های‌شان می‌دهند (همان، ۲۲۳). در این تحقیق همچنین از مشاهدات میدانی برای گردآوری داده‌ها استفاده شد است.

برای تحلیل داده‌ها از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. ابتدا داده‌ها در قالب یک‌سری نمونه عبارت صورت‌بندی شده‌اند؛ سپس، عملیات چهارگانه فرایند کدگذاری (مفهوم‌سازی، فروگاهی، مقوله‌پردازی و ربط‌دهی) بر روی این نمونه عبارات انجام گرفت. در نهایت، سعی شده از بطن نظم‌دهی مفهومی حاصل از این فرایند، توضیحی نظری درباره سرشت ارتباط در شبکه‌های اجتماعی ارائه شود. در این تحقیق، که تفسیری و ژرف‌نگر است، فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت دستی انجام گرفته و برای سنجش اعتبار داده‌ها نیز از راهبرد «زاویه‌بندی»^۲ استفاده شده است؛ بدین ترتیب که در گردآوری داده‌ها از چند پژوهشگر استفاده شده و داده‌های گردآوری شده از منظر چند نظریه مختلف بازنگری شده‌اند تا صحت و اعتبار آنها تأمین گردد.

1. semi-structured interviews
2. triangulation

مشکلات و تنگناهای اخلاقی این تحقیق عمدتاً به مرحله گردآوری داده‌ها مربوط می‌شد، جایی که، به تعبیر اووه فلیک، باید «منافع تحقیق، (همچون رسیدن به شناخت بهتر، راه‌حل‌های جدید برای مسائل موجود و...) و منافع شرکت‌کنندگان (مثل حفظ اسرار شخصی، اجتناب از هرگونه آسیب و...)» به صورت توأمان پاس داشته شود» (فلیک، ۱۳۸۷: ۵۹).

بدین منظور برای جلب اعتماد کاربران کوشیدیم به صورتی بسیار تدریجی با آنها ارتباط برقرار کنیم. قبل از هر چیز، در صفحه شخصی مان در بی‌تاک، خود را به‌طور کامل معرفی می‌کردیم و مشخصات و راه‌های تماس خود را دقیق می‌نوشتیم. سپس بی‌آنکه کمترین اطلاعات شناسایی از طرف بنخواهیم به او می‌گفتیم که اگر دانشجوی دانشگاه کردستان است با هم یک قرار مصاحبه حضوری بگذاریم. کاربری که می‌پذیرفت و در محل قرار حاضر می‌شد، هنگام ملاقات دو تا کار انجام می‌داد: یکی اینکه با نشان دادن کارت دانشجویی به ما اطمینان می‌داد دانشجوی دانشگاه کردستان است و دوم اینکه صفحه شخصی اش در بی‌تاک را نشان می‌داد که ما مطمئن شویم او در این شبکه عضویت دارد و فعال است. سرانجام، ضمن اطمینان دادن به برای ناشناس ماندن، بحث و گفتگو شروع می‌شد. در این روند، جستجو و یافتن و مصاحبه با کاربران مذکر وظیفه پژوهشگر مرد و کاربران مؤنث، وظیفه پژوهشگر زن بود. قبل از شروع بحث، همچنین، ضمن تشریح اهداف مصاحبه، به شرکت‌کننده اطمینان می‌دادیم که نه فقط خطری او را تهدید نمی‌کند بلکه این مصاحبه فوایدی نیز برای او دارد (مثلاً به شناختی بهتری از بی‌تاک و فضاهای مجازی دست می‌یابد). بدین ترتیب، بیست و یک نفری که مشخصات و اظهاراتشان در این پژوهش ثبت شده است با رضایت کامل با ما همکاری کرده‌اند. ما در سراسر این روند سعی کرده‌ایم ضمن حفظ شأن و حقوق آنها، ثابت کنیم که هویتشان محرمانه باقی خواهد ماند و نسبت به تمام اطلاعات مربوط به آنها رازداریم.

برخی از پرسش‌های محوری مصاحبه‌ها از این قرارند: در بی‌تاک چه چیزهایی می‌یابید که در دیگر شبکه‌ها نیست؟ مهم‌ترین فعالیتی که در این شبکه انجام می‌دهید چیست و برای رسیدن به چه هدفی انجامش می‌دهید؟ روابطی که در بی‌تاک برقرار می‌کنید تا چه حد و چگونه بر روابط شما در دنیای واقعی تأثیر گذاشته است؟ فکر می‌کنید توانسته‌اید علایق، خواست‌ها و اهداف خود را در این شبکه جستجو و پیدا کنید؟ افراد و گروه‌هایی که با آنها ارتباط برقرار می‌کنید از چه تیپ و نوعی هستند و به چه منظوری این کار را می‌کنید؟ درباره



نوشته‌ها، تصاویر و ویدئوهایی که رد و بدل می‌شوند یا گاهی خود در رد و بدل کردنشان سهیم هستید، توضیح دهید؟ با عضویت و فعالیت در این شبکه چه چیزهای جدیدی درباره جامعه و افراد و محیط پیرامون آموخته‌اید؟ چه چیزهایی در بی‌تاک یافته‌اید که فکر می‌کنید در زندگی واقعی شما وجود ندارد؟

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	رشته تحصیلی	مقطع تحصیلی	جنسیت	سن	قومیت
۱	سعید	حقوق	کارشناسی ارشد	مرد	۲۴	ترک
۲	امید	روانشناسی بالینی	کارشناسی ارشد	مرد	۲۵	کرد
۳	سارا	حسابداری	کارشناسی ارشد	زن	۲۳	فارس
۴	ژیلا	علوم اقتصادی	کارشناسی ارشد	زن	۲۷	کرد
۵	زهرا	صنایع	کارشناسی	زن	۱۹	فارس
۶	نیما	ریاضی	کارشناسی	مرد	۲۱	فارس
۷	خاطره	حقوق	کارشناسی	زن	۲۲	لر
۸	شهرام	ژئومورفولوژی	کارشناسی	مرد	۲۱	کرد
۹	محمد	عمران	کارشناسی	مرد	۲۰	ترک
۱۰	آزاده	مدیریت	کارشناسی ارشد	زن	۲۵	فارس
۱۱	میلا	مکانیک	کارشناسی	مرد	۲۳	کرد
۱۲	کانی	شیمی	کارشناسی	زن	۲۲	کرد
۱۳	مریم	آب‌خیزداری	کارشناسی	زن	۲۳	فارس
۱۴	بهاره	فیزیک	کارشناسی ارشد	زن	۲۶	لر
۱۵	رسول	برق	کارشناسی	مرد	۲۲	کرد
۱۶	شیرین	ادبیات عرب	کارشناسی	زن	۱۹	کرد
۱۷	کژال	علوم تربیتی	کارشناسی ارشد	زن	۲۴	کرد
۱۸	سامان	زیست‌شناسی	کارشناسی	مرد	۲۰	فارس
۱۹	مهدی	خاک‌شناسی	کارشناسی	مرد	۲۱	ترک
۲۰	سمیرا	ریاضی	کارشناسی ارشد	زن	۲۵	کرد
۲۱	جعفر	صنایع	کارشناسی	مرد	۲۲	فارس

در ابتدای تحلیل و تفسیر یافته‌های تحقیق سعی می‌شود مشاهدات میدانی با تکیه بر



بن‌مایه‌های نظری تحقیق مورد تأمل قرار گیرند و در قالب چند مقوله دسته‌بندی شوند. تفسیر این مشاهدات می‌تواند ما را در تفسیر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز یاری رساند و سرنخ‌هایی برای شروع فرایند کدگذاری و استخراج مقولات عمده و نهایی در اختیار ما بگذارد.

مشاهدات میدانی

حراج عاطفه و مکونات درونی: این رویه در گروه‌هایی که مختلط هستند بیشتر برجسته و قابل رؤیت است. کافی است خانمی یک جمله یا عکس یا مطلبی در گروه منتشر نماید، بعضی از آقایان با آب و تاب فراوان مطالب او را متفاوت و آموزنده دانسته و برایش شروع به فرستادن استیکرهای عاشقانه مثل عکس قلب، بوسه و... می‌کنند. زیر تصویرش حتی اگر هم اطلاع نداشته باشند که آیا متعلق به خودش است یا یک ناشناس، شروع به تعریف و تمجید و ابراز احساس‌های عاشقانه می‌کنند.

هویت‌های جعلی، پنهان کاری: هزارچهر بودن فقط به فضای واقعی زندگی محدود نمی‌شود بلکه به فضای سایبر نیز تسری یافته است. افراد در اینجا به دنبال نداشته‌ها و ناکامی‌هایی هستند که در واقعیت خود با آنها مواجه شده‌اند. به نظر می‌رسد ترس از قضاوت کردن و اعمال نظر دیگران جرئت بیان افکار و خواسته‌های درونی را نداده و لاجرم برای جبران آن به این محیط پناه می‌آورند. اگر از اسم حقیقی و شناسه خود ناراضی‌اند یا خجالت می‌کشند اینجا با یک اسم بامسما و متفاوت کاربر می‌شوند؛ مدارک تحصیلی و جایگاه شغلی و میزان درآمد خود را به شکل دیگری بیان می‌کنند که مورد تمجید سایرین واقع شوند.

جلوه‌نمایی: این حالت را می‌توان از ارسال عکس‌های متعدد بعضی کاربران از زندگی شخصی و روزمره خود در فضای مجازی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی دریافت. تعدد و تکرار این تصاویر می‌تواند بیانگر به‌رخ کشیدن ثروت و سبک زندگی یا مراوده با افراد شهیر باشد. ارسال عکس از اتومبیل شخصی، چیدمان و دکوراسیون و لوازم داخل منزل، عکس‌های سلفی با شخصیت‌ها و عکس اماکن دیدنی بعضی کشورهای معروف که شخص در مقطعی برای مسافرت انتخاب کرده است، نشان از جلوه‌نمایی و نمایش خود در این فضا دارد.

همراهی با موج و تغییر شکل ارتباطات: این گرایش را می‌توان در پیام‌های تبریک و تسلیت که افراد برای یکدیگر ارسال می‌کنند مشاهده کرد. مثلاً وقتی عکس کشته‌شدگان یک تصادف در





بنگلادش به‌نمایش گذاشته می‌شود کاربران در حالی که فرسنگ‌ها با خانواده‌های بازماندگان فاصله دارند ابراز همدردی می‌کنند، یا مثلاً یک نفر عکس موفقیت فرزندش را در یک آوردگاه علمی منتشر می‌نماید، سیل تبریک‌ها روانهٔ گروه می‌شود. این در حالی است که عده‌ای اصل علت تبریک را متوجه نشده با موج همراهی کرده و شروع به تهنیت‌گویی می‌کنند. این شکل ارتباط از راه دور به نظر می‌رسد بیشتر برای رنجیده نشدن خاطر هم‌گروهی آنان است تا بیان یک احساس حقیقی؛ به‌جای تماس گرفتن یا تبریک حضوری به‌همین میزان بسنده می‌کنند.

تبلیغات و شهرت‌طلبی: فضای شبکه‌های اجتماعی قلمرو مناسب و بدون هزینه‌ای برای تبلیغ یک محصول، گپ و گفت، معرفی مقاله علمی و سایر تألیفات، اجرای کنسرت و... است. عده‌ای اشعار خود یا گوشه‌هایی از کتاب یا مقاله‌ای که نگاشته‌اند را در این فضاها منتشر می‌کنند و به نظر می‌رسد بیشتر به‌دنبال کسب شهرت در فضای مجازی و به‌تبع آن در عرصه عمومی جامعه باشند. با توجه به موانع انجام این کار در عرصه‌های همگانی واقعی، افراد معمولاً به شبکه‌های اجتماعی مجازی متوسل می‌شوند. علاوه بر این، موضوعاتی همچون آرزوی زندگی در کشورهای غربی، سکس و مصرف مشروبات الکلی نیز بسیار مورد بحث قرار می‌گیرند؛ به‌ویژه در مبحث سکس و زندگی جنسی، به‌علت تابو بودنش، بعضی کاربران گمنام‌تر دست به افشاگری‌هایی در این زمینه می‌زنند. البته شرم و حیا و سلطهٔ مردانه‌ای که بر زنان وجود دارد، در اینجا نیز وجود داشته و در طرح مسائل جنسی مشارکت زنان کم‌رنگ‌تر است، چون برخی احساس می‌کنند اگر به بحث ورود کنند از سوی سایرین قضاوت و متهم خواهند شد. با این همه، این فضا یکی از همان فرصت‌هایی است که توانسته گوشه‌هایی از این ابعاد پنهان شخصیت افراد را با پرده‌داری نمایان سازد.

داده‌های این بخش (مشاهدات میدانی) مستقیماً با رجوع به دل‌نوشته‌های کاربران در قسمت «باز» و آنچه که در گروه‌ها و کلوب‌ها به‌صورت همگانی قابل مشاهده است گردآوری و استخراج شده است. همچنین در این قسمت پیام‌ها و پرسش‌هایی برای کاربران ناشناس ارسال کردیم که برخی از آنها جواب و توضیحاتی دربارهٔ تجربه‌ها، سرگذشت‌ها، اهداف و خاطرات خود در شبکهٔ بی‌تاک ارسال کردند.

مقولات دسته‌بندی‌شدهٔ فوق حاصل تأمل در این نوشته‌ها و پاسخ‌ها بود. مثلاً یکی از کاربران در توصیف کاربرد و فواید شبکهٔ بی‌تاک نوشته بود: «یه محیطی برا حرف‌زدن و

سرگرمی که زیاد بد نیست، البته آگه درست استفاده بشه، آدمو از کار نندازه، عادت نباشه و ارزش‌های جامعه را زیر سؤال نبره. مثلاً بعضی‌ها برای ارتباط خلاف شرع ازش استفاده می‌کنند». یا کاربری دیگر با تفکیک دو گروه کاربران واقعی و تقلبی، مزایا و معایب این شبکه را این‌گونه توصیف کرد: «بعضیا برا سرکار گذاشتن دیگران استفاده می‌کنن. دلیل اونا با دلیل کسانی که درست استفاده می‌کنن خیلی فرق داره». چنین تحلیلی را کاربران دیگری نیز ارائه کردند.

برخی دیگر نیز شبکه‌های قوی‌تری مثل فیس‌بوک را ترجیح می‌دادند و شبکه‌های موبایلی را بیشتر ناظر به سرگرمی و ارتباطات نامقعود می‌دانستند: «به استفاده ازشون ربط داره، میشه ازشون استفاده مفید کرد، مثلاً فیس‌بوک». عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که امکانات شبکه‌های اجتماعی موبایلی به‌گونه‌ای است که فرد را راغب می‌کند بیشتر درگیر آنها شود و جذابیتی آنلاین و زنده دارد: «وقتی طرفم در حال تایپ کردنه و رو گوشیم می‌افته بیشتر مشتاق میشم که جواب بدم». شبکه‌های اجتماعی موبایلی تنوع روزمره بسیاری دارند و هر کدام معنای متفاوتی برای کاربران خود دارند. مطابق نوشته برخی از کاربران، «بی‌تاک: لاس زدن؛ وایبر و واتساپ: پلی راحت برای ارتباط با مخاطبین؛ تلگرام درجه‌ای بهتر».

همچنین اکثر توضیحات و پاسخ‌ها حاکی از آن بود که آن دسته از شبکه‌های اجتماعی که در آنها با افراد ناشناس سروکار داریم، امکان اینکه فرد خود واقعی‌اش را نشان دهد، بسیار کم است: «مجازی با واقعیت خیلی فرق داره. به آدمایی که نمی‌شناسی همیشه خود واقعی‌ات را نشون بدی. برای سرگرمی با هم حرف می‌زنن، چون طرفین به هم اعتماد ندارند». ارتباطات ناشناس فضایی جالب پدید می‌آورد که در آن کنشگران راحت‌تر می‌توانند مقاصدشان را برای ارتباط، به‌ویژه با جنس مخالف، مطرح سازند. در این شبکه‌ها افراد به‌صورت ناشناس هم صحبت می‌شوند و اغلب در پس انواع نقاب‌ها پنهان می‌گردند.

تفسیر یافته‌های مصاحبه‌ها

چیستی و چگونگی تجربه ارتباط در شبکه اجتماعی بی‌تاک و زمینه‌ها، دلالت‌ها، ابعاد و پیامدهای این ارتباط، آن چیزی بود که در قالب مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته با کاربران این شبکه مورد بحث قرار گرفت و اینک یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها بر مبنای نظریه زمینه‌ای



و در قالب فرایند کدگذاری تحلیل می‌شود. طی این فرایند، در مرحله کدگذاری باز ۴۱ مقوله اولیه استخراج شد که در قالب ۹ مقوله عمده و در نهایت یک مقوله هسته‌ای قرار گرفتند.

جدول ۲. فرایند کدگذاری داده‌ها را نشان می‌دهد.

مقوله هسته	مقولات عمده	مقولات اولیه	نوع مقوله
ارتباط ایماژ محور و شبیه‌سازی شده	پیگیری علایق واقعی در دنیایی غیر واقعی	بن‌بست‌های زندگی شخصی، فقدان حمایت گروهی، موانع ابراز عواطف، شتاب و سهولت ارتباط مجازی، تنوع تعامل‌ها و تجارب، غلبه بر تنهایی	شرایط تسهیل‌گر
	بازنمایی خواست‌ها/ صداها در فضای مجازی	برآورده شدن عطش گفتگو، لذت چندصدایی، عضویت در گروه‌ها و کلوب‌ها، این همان شدن با کامیونتی‌های دلخواه	
	دسترس‌پذیری فوری	کم‌هزینه بودن، سرعت بالا، آنلاین بودن لحظه‌ای، ارتباط رسمی و غیر رسمی	شرایط مداخله‌گر
	نمایش هویت ساختگی	میل به گمنامی، پنهان‌سازی هویت، خواست غلبه بر موانع واقعی	فرم‌های تعامل
	تجربه فضایی کارناوالی	طنز و خنده، جک‌سازی، لذات آنی، شوخ‌طبعی، سرگرمی	
	سواد حبابی	اشتراک‌گذاری، ابراز معلومات، تمرین اظهارنظر، دسترسی به اطلاعات عمومی	
	زمان/ مکان‌زدایی از ارتباط	امحای زمان، برکنندن از مکان، آفلاین بودن، درگیری ذهنی	
	اعتیاد مجازی	تسهیل ارتباط آنی، بی‌خوابی، وابستگی، تغییر ساختار مکالمه‌ای، تک‌بعدی شدن زندگی، افول روابط واقعی	پیامدها
	جمع‌گرایی مجازی	گسترش و تغییر شکل روابط، افزایش دانسته‌های عمومی، دگر دیسی دوستی، ناپایداری روابط، لحظه‌ای شدن تجارب زیسته	



در ادامه به تفسیر مفاهیم و مقولات حاصل از فرایند کدگذاری می‌پردازیم و می‌کوشیم آنها را در قالب چهار بخش شرایط تسهیل‌گر، شرایط مداخله‌گر، فرم‌های تعامل و پیامدها بررسی کنیم.

۱. شرایط تسهیل‌گرِ ساختِ «تجربه ارتباط» در شبکه اجتماعی بی‌تاک

وضعیت عینی تعامل‌ها و کنش‌های ارتباطی در جامعه ما متضمن انواع تناقض‌ها، بن‌بست‌ها، تنش‌ها، گسیختگی‌ها و فرایندهای معنازوده است. این وضعیت، خود، به‌طرزی درونی، مهیاگر بسترها، زمینه‌ها و عوامل تسهیل‌گری است که کنشگران را وامی‌دارند تا انسجام، معنا، لذت و ارتباط ناب را در وضعیت‌ها و فضاهایی دیگر پیگیری کنند. عدم تناسب فرم‌های ارتباط با محتویاتی که کنشگران در قلمرو جهان زندگی جستجو می‌کنند، موجب می‌شود برای تحقق و اکتساب تجارب مطلوب خویش فرم‌های ارتباطی متداول را رها کنند و به تناسب تجربه‌های نوین‌شان، فرم‌های دیگر بیافرینند؛ از آنجا که شکل دادن به این فرم‌ها در وضعیت‌های عینی جهان واقعی پرهزینه و گاه ناممکن است، دنیای مجازی تبدیل به قلمرو اصلی تعامل و تبادل می‌شود.

چنانکه فرایند کدگذاری داده‌ها نشان می‌دهد، شرایط تسهیل‌گر حضور کاربران در دنیای مجازی را می‌توان ذیل دو مقوله عمده یا محوری دسته‌بندی کرد: الف) پیگیری علائق واقعی در دنیای غیر واقعی (بن‌بست‌های زندگی شخصی، فقدان حمایت گروهی، موانع ابراز عواطف، شتاب و سهولت ارتباط مجازی، تنوع تعامل‌ها و تجارب، غلبه بر تنهایی)؛ ب) بازنمایی خواست‌ها/صداها در فضای مجازی (برآورده شدن عطش گفتگو، لذت چندصدایی، عضویت در گروه‌ها و کلوب‌ها، این همان شدن با کامیونتی‌های دلخواه). اینک سعی می‌شود هر یک از این مقولات خرد و عمده با استناد به گفته‌ها و نمونه عبارتهای کاربران تحلیل و تفسیر شود.

الف) پیگیری علائق واقعی در دنیای غیر واقعی

جوامعی که فرایند گذار از یک شکل همبستگی به شکلی دیگر را طی می‌کنند معمولاً توان چندانی برای حمایت عاطفی/روانی از اعضا ندارند. در این جوامع، افراد در زندگی شخصی و نیز در فضاهای جمعی احساس تنهایی، استیصال و بی‌پناهی می‌کنند و برای رها شدن از این نوع «حیات برهنه» در جستجوی زیست‌بوم‌های معنابخش و حمایت‌گر هستند. حیات برهنه وضعیت یا شکلی از زندگی است که در آن قواعد و سازوکارهای سیاسی در خصوصی‌ترین



ابعاد زندگی شخصی رسوخ می‌کند، زندگی به‌جای آنکه سرپناهی حمایت‌گر و مهیاگر هستی معنوی آدمی باشد انواع دهشت و اضطراب و تنش را به او القا می‌کند و فرد در نهایت تنهایی و بی‌خانمانی، از هر گونه حقوق فردی و شهروندی برهنه می‌شود (آگامبن و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶).

در وضعیت کنونی جامعه ما، چنانکه مقولات اولیه مستتج از نمونه عبارات مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، یکی از عمده‌ترین بسترهای تسهیل‌گر هجوم افراد به دنیای مجازی همین تجاوز سیاست به زندگی، یا به تعبیر هابرماس، مستعمره شدن زیست‌جهان به وسیله سیستم است. فی‌المثل مقوله «بن‌بست‌های زندگی شخصی» حکایت از سترون بودن جهان زندگی، ته‌کشیدن غنای زندگی روزمره و نازایایی هستی اجتماعی دارد. به‌قول یکی از کاربران: «بی‌تاک برای پر کردن تنهایی خیلی خوبه، وقتی وارد فضای مجازی میشی با افراد زیادی میتونی گفتگو کنی، وقتتو پر کنی که تو واقعیت شاید این موقعیت پیش نیاد». یا به تعبیر یکی دیگر از آنها: «من از تنهایی میام اینجا. فقط واسه اینکه به تنهایی فکر نکنم، تقریباً خوبه ولی خب همچین پناهگاهی هم نیست. همش الکیه یه مشت آدم ضعیف دور هم جمع شدند. بعضی‌ها از بیچارگی و بی‌کسی میانند. تو واقعیت کسی نیست درکشون کنه. اینجا به حرفات گوش میدن خوبه».

مقوله «فقدان حمایت گروهی» نیز دلالت بر ضعف شدن شبکه‌های مدنی حمایت از فرد، از جاکندگی روابط و مناسبات جمعی و پیدایش وضعیتی انضمامی دارد که در آن افراد مثل ذرات پراکنده در متن جامعه‌ای از هم گسیخته شناورند. بیان‌های کاربران همین شرایط را توصیف می‌کند: «وقتی می‌تونی با هر کی دلت بخواد ارتباط برقرار کنی، خیلی عالیه. احساس می‌کنی داری پرواز می‌کنی؛ بی‌هیچ محدودیتی. حتی تو را نمی‌شناسند. ولی البته در نهایت احساس پوچی می‌کنی و انگار نمی‌دونی کی هستی».

یکی از دلایل جذب شدن افراد به فضای مجازی همین است که «بی‌هیچ محدودیتی» ابراز عاطفه می‌کنند در حالی که در شرایط واقعی زندگی موانعی برای ابراز عواطف وجود دارد. «موانع ابراز عواطف» سومین مقوله استخراج شده است. مبادله احساس و عاطفه در فضاهای مجازی تقریباً تا حد نزدیک شدن کاربران به مرز هرزگی عاطفی پیش می‌رود. به تعبیر خودشان: «آخر سر نمی‌دونی با چند نفر صمیمی شده‌ای و منظورت از ارتباط با هر کدوم از آنها چه بوده. در عین حال باز هم احساس می‌کنی هیچ دوست واقعی و دائمی نداری».



مقولاتی نظیر «تنوع تعامل‌ها/ تجربه‌ها» و نیز «غلبه بر تنهایی» مؤید خصلت جذابیت‌های ظاهری اما کم‌عمق دنیای مجازی‌اند. به‌طور کلی، مقولات استخراج شده نشان‌گر آنند که افراد در شرایط عقیم‌بودگی زندگی اجتماعی واقعی و نیز به‌سبب سهولت برقراری ارتباطات متنوع و ناشناخته در دنیای مجازی بیشتر و بیشتر انگیزه پیدا می‌کنند که از جهان واقعی به جهانی غیر واقعی پنا ببرند.

ب) بازنمایی خواست‌ها/ صداها در فضای مجازی

دنیای مجازی قلمرو چندصدایی است. تنوع صداها، اندیشه‌ها، خواست‌ها و گرایش‌ها به قدری گسترده است که مهار کردن آن و تعیین مرز و محدوده برای آن تقریباً ناممکن است. در این فضا امکان جستجوی لذت‌ها و معناها و هویت‌ها، این همان شدن با کامیونتی‌ها، عضویت در گروه‌ها و کلوب‌ها، تعاطی عواطف و هیجان، مشارکت در گپ‌وگفت‌ها و فعلیت بخشیدن به پتانسیل‌های جمع‌گرایانه برای کاربران فراهم می‌شود. در ایران کنونی این وضعیت به‌وضوح قابل درک است. به تعبیر یکی از محققان، «اگر تا یک دهه گذشته، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های جوانان حول مصرف، به‌ویژه در عرصه‌های پوشش و لباس و موسیقی، متمرکز بود، در حال حاضر فناوری‌های ارتباطی مجازی، به‌ویژه اینترنت و تلفن همراه، الزامات جدی را برای خرده‌فرهنگ‌های جوانان پدید آورده‌اند که از جمله می‌توان به تقویت فردیت، استقلال عمل و انتخاب‌گری، سیال و متحرک ساختن هویت، خصوصی کردن دنیای زندگی، ایجاد تمایز و اهمیت یافتن فزاینده سبک زندگی اشاره کرد» (ذکایی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

مفاهیم و مقولاتی که از نمونه عبارات مصاحبه‌شوندگان می‌توان در این‌باره استخراج کرد به‌روشنی مؤید ایده‌های فوق است. مثلاً یکی از مقولاتی که در اظهارنظرهای اغلب آنها بود «برآورده شدن عطش گفتگو» است. به تعبیر یکی از کاربران: «آدم با حضور در بی‌تاک هر چه دلش می‌خواد می‌گه و می‌نویسه. حرف‌های دیگران را می‌شنوی. خلاصه ته دلتو خالی می‌کنی». این حضور «دیگران» و تعامل با آنها نوعی «لذت چندصدایی» ایجاد می‌کند: «اینجا همه هستند، دختر و پسر، مایه‌دار و آس‌وپاس، همه. فرقی نداره چه جوری باشی. حرف همه را می‌شنوی. محدودیتی نیست».

کاربران غالب اوقات ترجیح می‌دهند گروه‌ها و کلوب‌هایی تشکیل بدهند و در این محافل عضو شوند. مبنای تشکیل و عضویت در این گروه‌ها معمولاً «تعلق به یک نسل»، «هم‌محله‌ای بودن»، «علاقه به یک خواننده»، «جنسیت»، «خاطرات مشترک» و... است. بنابراین مقوله «تعلق





گروهی» اینجا محوری است: «خیلی لذت داره وقتی با یک سری دوست می شوی و همه جوره اخبار و اطلاعات در اختیار آدم می گذارند. احساس می کنی عده ای باهات همدل و رفیقند. خب اگر شبکه هایی مثل بی تاک نباشند این کار ممکن نیست». تعلق به گروه روی دیگر «این همان شدن با کامیونتی»^۱ است. کامیونتی یعنی جمع کوچکی از افراد که در یک یا چند خصلت و موقعیت با هم شریکند و بر مبنای آن یک گروه هویتی منسجم را شکل داده اند. احساس هم هویتی، یگانگی و همذات پنداری با افرادی که در برخی ابعاد و مؤلفه ها با شخص اشتراک دارند، یکی از دلایل قوی مشارکت آنها در بی تاک است. پژوهشگرانی مثل تومی^۲، شکل گیری اجتماعات مجازی بر این مبنای الگویی خاص از تعامل و هویت یابی می دانند، «نوعی الگوی ارتباطی عضو به عضو که در آن فرد عنصری فعال در تولید، ارایه متن، متوا و تعامل در فضای شبکه است» (تومی، ۱۳۸۳).

۲. شرایط مداخله گر

تحولاتی که از در نیمه دوم سده بیستم، به ویژه از دهه ۱۹۷۰ به این سو، تحت عناوینی همچون شبکه ای شدن و انفجار اطلاعات و رسانه ای شدن جامعه، در جهان مدرن اتفاق افتاد، سرشت تعامل ها و شیوه های شکل گیری و تداوم گروه بندی ها و همبستگی های اجتماعی را دگرگون ساخت. اجتماع مجازی واجد ابعادی فنی و صوری است که همچون عواملی مداخله گر در جذب کنشگران اجتماعی به این فضا ایفای نقش می کنند. دسترسی ارزان به شبکه های فیبر نوری، کابلی، بی سیم و ماهواره ها می تواند خلاقیت، ابتکار و اشتغال زایی محلی و نیز اجتماعات محلی را تقویت نماید و در عین حال بهره وری را بهبود بخشد (ابراهیم آبادی، ۱۳۸۸: ۹۹). به تعبیری دیگر، فضای مجازی با فراهم نمودن ظرفیتی بالا برای کنش متقابل و تبادل اطلاعات و رای زمان و مکان، به انسان ها امکان می دهد بی واسطه و بی هیچ محدودیتی به اطلاعات، دانش ها و میراث های فرهنگی متنوع دسترسی داشته باشند.

با گسترش شبکه های اجتماعی مجازی امکان ارتباطات بی واسطه و کم هزینه فراهم می شود و فناوری های نوین اطلاعاتی بیش از پیش در شکل گیری هویت و سبک زندگی ایفای نقش می کنند (عدلی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۹). بنابراین، در این بخش، در تحلیل روایت های کاربران با نقش مقولاتی مداخله گر در جذب افراد به دنیای مجازی مواجه هستیم، مثل کم هزینه بودن،

1. identification with community

2. Tuomi

سرعت بالا، آنلاین بودن لحظه‌ای و ارتباط رسمی و غیر رسمی. این مقولات خرد را می‌توان در قالب مقوله‌ای عمده صورت‌بندی کرد: «دسترس‌پذیری فوری».

دسترس‌پذیری فوری

حاصل شبکه‌ای شدن و رسانه‌ای شدن جامعه کنونی آن است که کنشگران اجتماعی به فراسوی زمان و مکان و عرف‌های محلی و شیوه‌های قومی پرتاب شده‌اند. این پرتاب‌شدگی و احساس رهایی از الزام‌ها و محدودیت‌های بومی از جمله بسترهای دخیل در روی آوردن کنشگران به جهان مجازی است. فعلیت یافتن توانایی چیره شدن بر موانع و قیدها و درهم‌شکستن قواعد و سنت‌های محلی، نوعی احساس لذت است که فقط از دسترس‌پذیری فوری عاید کاربران می‌شود: «احساس می‌کنی هر لحظه بخواهی به هر چیزی می‌رسی. همه چیز دم‌دسته»؛ «تمام دنیا تو گوشی موبایلته. بی‌تاک یعنی کل ایران باهاته»؛ «من خیلی از دوستای قدیمم در اینجا دوباره پیدا کردم. همه هر لحظه بخای کنارند»؛ «بی هیچ هزینه‌ای میتونی هر کیو خواستی گیر بیاری. کاراتو انجام بدی. دوستاتو پیدا کنی».

این عبارات حاکی از نقش مداخله‌گرانه‌ای است که وجه فنی یک شبکه اجتماعی در جذب کاربران دارد. امکان‌ها و فرصت‌هایی که به‌مدد این دسترس‌پذیری دیگران عاید کاربران می‌شود چنان زیاد است که عملاً به تسهیل امور زندگی روزمره و حل بسیاری از معضلات زمان‌بر حیات اجتماعی آنها کمک می‌کند. دیگر زندگی اجتماعی صرفاً زندگی‌ای در حضور واقعی یا در غیاب واقعی دیگران نیست، بلکه زندگی‌ای است که دیگران در آن واحد در آن حضور و غیبت دارند. به بیان دیگر، دیگران را می‌توان هر آن که «اراده کرد» به زندگی وارد یا از آن خارج کرد.

۳. فرم‌های تعامل

عمده‌ترین تحولی که به‌سبب مشارکت در شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره افراد پدید می‌آید دگرذیسی فرم‌های تعامل میان آنها است. مقولات برآمده از اظهارنظرها و گفته‌های کاربران آشکارا بر این دگرذیسی دلالت می‌کنند. مقولاتی همچون «میل به گمنامی»، «پنهان‌سازی هویت»، «خواست غلبه بر موانع عینی» (نمایش هویت ساختگی)، «طنز و خنده»، «جک‌سازی»، «لذات آنی»، «شوخ‌طبعی»، «سرگرمی» (تجربه فضایی کارناوالی)، «اشتراک‌گذاری»، «ابراز معلومات»، «تمرین اظهارنظر»، «دسترس‌ی به اطلاعات عمومی» (سواد حسابی)، «امحای زمان»،



«برکندن از مکان»، «آفلاین بودن» و «درگیری ذهنی» (زمان/مکان‌زدایی از ارتباط) به‌وضوح نشان می‌دهند که تعامل‌های بین افراد و گروه‌های اجتماعی دیگر در چارچوب فرم‌ها و قالب‌های پیشین نیست. به تعبیر هریس، «با پیدایش دنیای مجازی شاهد فروپاشی انواع مرزبندی‌ها هستیم، مرزبندی بین فعالیت‌ها و نقش‌هایی که پیش از این مجزا بودند، مرزبندی‌هایی که افراد را بر حسب فاصله، سن، ملیت، پایگاه یا نقش از هم جدا می‌ساخت؛ در کل، جستجوی وب فرصت لذت‌بخشی را برای فراتر رفتن از مرزبندی‌های فرهنگی فراهم می‌سازد» (هریس، ۱۳۹۲: ۳۴۴-۳۴۵).

الف) نمایش هویت ساختگی

شبکه‌های اجتماعی مهیاگر فرصت‌هایی برای فائق آمدن بر محدودیت‌ها و الزام‌های اعمال شده بر هویت هستند. چیرگی بر محدودیت‌های بدن و پذیرفتن یک هویت غیر بدنی حاصل مشارکت در جهان مجازی است... زنان، مردان، سالخورده‌گان، اقلیت‌های قومی، معلولان و گروه‌های مشابه امکان غلبه بر محدودیت‌های جسمانی را پیدا کرده‌اند (همان: ۳۴۶-۳۴۷). حتی این امکان وجود دارد که در دنیای مجازی به ارگانسیم‌های مجازی تبدیل شویم و در نتیجه همین اتفاق مرزبندی‌های فرهنگی قدیمی بین انسان و حیوان و ماشین نیز از بین برود. فرد در دنیای مجازی قادر است میل به گمنامی و ناشناخته ماندن را در عین برقراری ارتباط با دیگری ارضا کند؛ بدین معنا که ترکیب ناشناس ماندن و صمیمیت به افراد غریبه اجازه می‌دهد تا حجم زیادی از هیجان‌ات خویش را به نمایش بگذارند. به تعبیر کاربران: «وقتی طرف نمی‌دونه کی هستی خیلی راحت حرفاتو می‌زنی؛ نمی‌ترسی از اینکه لو بری!»؛ «می‌توان با استفاده از «لوک اروند»، «فلیپ» و «رادار» به نزدیک‌ترین کاربران و دوستان و گروه‌ها دسترسی پیدا کرد و با آنها آشنا شد».

حاصل ارضای این میل آن است که فرد هویت شخصی واقعی خود را پنهان می‌سازد و با نقابی بر چهره و بی‌هیچ قید و محدودیتی خواست‌ها و مقاصد ارتباطی‌اش را پیگیری می‌کند. به بیان دیگر، تعامل مجازی امکان کلیشه‌سازی، برچسب‌زنی و تسلط زبانی را که در تعامل‌های حضوری برجسته‌اند از میان برمی‌دارد و کنشگران را از این قیدها می‌رهاند. چیره شدن بر موانعی که در عالم واقع بر سر راه تعامل اجتماعی وجود دارد کمک می‌کند فرد با بر ساخت و ابداع هویتی دیگر برای خود، انواع دیگری از تعامل‌ها را بیافریند. به تعبیر باسِت، حاصل



اجتماعات مجازی پیدایش هویت‌های مجازی است که بر مبنای آن «افراد با جلوه‌نمایی و تغییر شکل درگیر بازی‌های هویتی می‌شوند و حتی ممکن است هویت بدیل پایداری برای خود بسازند» (باسِت، ۱۹۹۷: ۵۳۸). از آنجا که هویت فردی و اجتماعی افراد در متن فرم‌های تعامل شکل می‌گیرد، ورود به تعامل‌های مجازی در واقع معادل پذیرش نسبی هویت مجازی است.

ب) تجربه فضایی کارناوالی

بی‌تاک شباهت بسیاری با فضایی کارناوالی دارد. سرگرمی، تفریح، جک‌سازی، شوخ‌طبعی، لذات آنی و غیر آنی، طنز و خنده همه در این فضا یافت می‌شوند. کاربران احساس می‌کنند وارد دنیایی بسیار مسرت‌بخش شده‌اند. اینجا به قول باختین^۱ «حیطه جنگ میان صداها است و هر کنش و کلامی درصدد شنیده شدن و پاسخ گرفتن است» (باختین، ۱۹۸۴: ۳۰۰). در بی‌تاک انواع جک‌ها در مورد همه چیز ساخته می‌شود. نکته‌های عبرت‌آموز درباره جامعه و مردم ایران، درباره شخصیت‌های سیاسی و درباره آداب و رسوم نوشته و مبادله می‌شود؛ «انواع تصاویر، بازی‌ها، چیستان و طنز و لطفه اینجا هست. هر کسی در صفحه خود جملات جالب و معنادار می‌نویسد. تو فکر می‌کنی هر چیزی بخواهی اینجا پیدا می‌کنی».

جذب شدن کاربران در این فضای کارناوالی به‌ویژه از آن رو تشدید می‌شود که در جهان اجتماعی واقعی خبری از این فضا نیست. در فضای کارناوالی شاهد فروریزی حصرها و فروبستگی‌ها، برجسته شدن تفاوت‌ها و قوی شدن دادوستدهای نمادین هستیم. در اینجا ایماژها و مجازهای فرهنگ همگانی با طرد جدیت تک‌بعدی فرهنگی رسمی، با شیء‌گون‌زدایی از تعامل، با سیطره بخشیدن به امر معمولی و در یک کلام با دل‌تک‌بازی‌های نمادین موفق می‌شوند زنده بودن و سیالیت تجربه را تضمین کنند (گاردینر، ۱۳۸۱: ۵۶). در بی‌تاک کاربران با ایجاد گروه‌های دوستی و کلوب‌ها در واقع می‌کوشند فضایی برای مبادله خاطرات، شنیده‌ها، سرگذشت‌ها و درد دل‌هایشان در قالب طنز و هجو و هزل فراهم آورند.

ج) سواد حبابی

امروزه فضای شبکه‌های مجازی عرصه ابراز معلومات، اظهار نظر درباره مسائل گوناگون، به اشتراک گذاشتن انواع دانسته‌ها و اسرار، و دسترسی سریع و آسان به اشکال مختلف دانش و اطلاعات است. سهولت دسترسی به انواع کتاب، مقاله، فیلم، اخبار، یادداشت، روزنامه،





مجله، سایت، وبلاگ و جز آن، باعث شده است افراد بدون مطالعه و یادگیری عمیق مطالب و موضوعات دچار این توهم شوند که درباره همه چیز از اطلاعات لازم برخوردارند؛ «الان مثل قدیم نیست که لازم باشه حتماً با رجوع به کتاب‌های نفیس و اساتید کارکشته چیزی را یاد بگیری. الان همه باسوادند»، «لازم نیست اطلاعات و دانسته‌ها را در حافظه ذخیره کنی. هر کسی با یک کلیک می‌تونه درباره هر چه بخواد کلی مطلب ببینه»، «واقعاً با پیدایش این شبکه‌های مجازی دیگر باسواد و بی‌سواد زیاد معنی ندارد».

سواد حبابی یعنی توهم دانستن در زمانه‌ای که به‌سختی بتوان مرزهای دانایی و نادانی را از هم تفکیک کرد. کاربران کلیشه‌ای‌ترین مطالب و جملات را به اشتراک می‌گذارند، گزین‌گویی‌های بزرگان را در چشم‌برهم‌زدنی به نخ‌نماترین و پیش‌پاافتاده‌ترین جملات روز تبدیل می‌کنند، درباره مقدس‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل بارها و بارها اظهار نظر می‌کنند و بدین‌سان به این باور می‌رسند که چیزی در این عالم نیست که آنها در موردش اطلاعات و سواد نداشته باشند. سواد حبابی عین ظرف یا قالبی است که محتوای آن را اطلاعات عامه‌پسند پر می‌کند و خود این اطلاعات هم جز برای مدتی کوتاه در اذهان کاربران نمی‌ماند.

د) زمان / مکان‌زدایی از ارتباط

جامعه‌شناسان متأخر از جدایی زمان و مکان، تهی شدن زمان و ازجاکنندگی روابط و مناسبات اجتماعی در مدرنیته پسین سخن می‌گویند (گیلدنز، ۱۳۷۸). بر خلاف جوامع پیشامدرن که در آنها پیوندی ناگسستنی بین زمان-مکان و زمینه‌های محلی و تعامل‌های اجتماعی وجود داشت، در مدرنیته متأخر اشکال مختلف تعامل‌های نمادین از زمینه‌های وقوعشان برکنده می‌شوند و ورای زمان و مکان و محل در فضاهایی بی‌کران به‌شیوه‌ای سیال و شناور بین کنشگران برقرار می‌شوند؛ «در بی‌تاک می‌توان با کسی که فرسنگ‌ها از تو دور است ساعت‌ها باشی، انگار که کنارت نشسته است»، «دیگه معنای هم‌محله‌ای، ساعات قرار، و بودن با نفر در یک وقت واحد از بین رفته است»، «می‌توان هم‌زمان برای چندین نفر پیام گذاشت؛ می‌توان گروهی از افراد تشکیل داد که هرگز همدیگر را ندیده‌اند و نمی‌شناسند؛ می‌توان در ساعتی که همه خوابند به مهمانی مجازی دوستانی رفت که ممکن است حتی در یک کشور هم زندگی نکنند».

امحای زمان، برچیده شدن محدودیت‌های مکانی و محلی، و برکنده شدن فرم‌های تعامل از بسترهای وقوعشان همگی باعث می‌شوند انواع بی‌سابقه‌ای از روابط بینافردی و بیناگروهی

پدید آید که از بسیاری قیود و موانع رها گشته و درجه درگیری ذهنی / عینی کنشگران را افزایش می دهند. اینجاست که گسترش دنیای مجازی سبب دگرگون شدن درک آدمیان از «جهان» و «وجود» می شود.

۴. پیامدها

زندگی در دنیای مجازی و شکل گیری اجتماعات مجازی پیامدهایی برای حیات اجتماعی بشر دارد که توجه به آنها لازمه هر گونه سیاست گذاری فرهنگی و اجتماعی است. تسهیل ارتباط آنی، وابستگی به ابزار، بی خوابی، تغییر ساختار مکالمه‌ای، تک بعدی شدن زندگی و افول روابط واقعی در زمره پیامدهای منفی و مخرب سیطره دنیای مجازی هستند. این فضا البته پیامدهایی دیگری نیز دارد که لزوماً نمی توان آنها را منفی شمرد: گسترش و تغییر شکل روابط، افزایش میزان دانسته‌های عمومی، دگر دیسی دوستی، ناپایداری روابط و لحظه‌ای شدن تجارب زیسته از این جمله‌اند. بر پیامدهای دسته اول می توان نام «اعتیاد مجازی» نهاد و بر پیامدهای دسته دوم نام «جمع گرایی کاذب».

الف) اعتیاد مجازی

بر خلاف اجتماعات واقعی، حضور در اجتماعات مجازی منوط به توافق «دیگری» نیست. فرد هر گاه بخواهد چیزی را به اشتراک می گذارد، درباره مطلب یا عکسی کامنت می گذارد، برای کسی پیام می فرستد، نوشته‌های دیگران را می خواند، با اعضای گروه‌ها و کلوب‌ها آشنا می شود و بالاخره به نحوی از انحا وارد فضایی جمعی می شود. درست به دلیل همین دل‌خواهی بودن ورود به فضای مجازی، فرد به تدریج دچار نوعی اعتیاد مجازی می شود، یعنی حجم عظیمی از وقت و انرژی و «لییدو»ی خود را در اینجا صرف می کند. حاصل این امر، علاوه بر خستگی و بی خوابی، کاستن از روابط فرد با دیگران واقعی و زوال گفتگو با انسان‌های واقعی است؛ «هر مهمانی و جمعی می روی هر کس فقط سرش تو گوشی موبایلش». کسی حوصله و فرصت حرف زدن با کس دیگری ندارد»، «دقیقاً اعتیاد است. وقتی حتی یک لحظه هم نمی تونی بدون اینترنت زندگی کنی، اعتیاد یعنی همین».

بی تاک جایی است که در یک آن می شود دیگری را یافت و با او ارتباط برقرار کرد. فرد چنان به حضور دیگران غیر واقعی وابسته می شود که هر چند لحظه یکبار «باکس»ش را چک می کند تا با خواندن پیام‌ها و نظرات (کامنت‌های) دیگران احساس کند تنها نیست بلکه به



اجتماع خاصی تعلق دارد. او اساساً در انتظار خواندن، دیدن و دیده شدن در این فضا زندگی را سپری می‌کند.

ب) جمع‌گرایی مجازی

مقولهٔ جمع‌گرایی مجازی دلالت بر آن دارد که عضویت فرد در یک جمع یا محفل صرفاً در جهان مجازی است و هیچ‌گونه حضور و مشارکت عینی و حقیقی ندارد و فقط در تنهایی خود با یک‌سری نوشته‌ها، ایماژها و تصاویر رو در رو است. در این فضا، تعامل‌ها ناپایدار، صمیمت و دوستی از جنسی دیگر و تجارب زیسته کاملاً آبی و گذرا است. احساس تنهایی و بی‌پناهی و زیستن یک زندگی برهنه که حاصل سیطرهٔ منطق سرمایه و تکنوکراسی است، به‌هیچ‌رو با مشارکت در اجتماعات مجازی مرتفع نمی‌شود، بلکه لاپوشانی و تشدید می‌گردد. اگر این فرض جامعه‌شناختی را بپذیریم که رشد فردیت و رسیدن به بلوغ شخصیتی فقط در متن مناسبات جمعی محقق می‌شود، حضور اعتیادآمیز در شبکه‌های اجتماعی صرفاً در حکم مسکنی است که درد را پنهان می‌کند، یعنی فرد فکر می‌کند در حال رشد و شکوفایی شخصیتی است در حالی که صرفاً با انبوهی از تصاویر و ایماژها ارتباط دارد: «چکار کنیم وقتی اون بیرون به کسی همیشه اعتماد کرد و برای ایجاد یه رابطه به هزار مشکل برمی‌خورم. اینجا لااقل با چهار تا لغت یا یه عکس میشه به طرف پیام داد و جوابو گرفت».



نتیجه‌گیری

جامعهٔ پدید آمده بعد از دههٔ ۱۹۷۰ اغلب با عناوینی چون مدرنیتهٔ متأخر، جامعهٔ مصرفی، جامعهٔ رسانه‌محور و جامعهٔ تحت سیطرهٔ تصاویر، وانموده‌ها، گزاف‌واقعیت‌ها و شبیه‌سازی‌ها توصیف شده است. در این جامعه، به‌باور بودریار، «جهان واقعی، وقایع و تاریخ وارد تصویر می‌شوند تا به‌واسطهٔ آن مصرف شوند» (بودریار، ۱۳۸۹: ۲۹). در وضعیت سیطرهٔ نشانه‌های تصویری و گزاف‌واقعیت‌ها، دیگر آینه‌ای وجود ندارد که فرد در آن تصویر خوب یا بد خود را باز یابد؛ آنچه هست صرفاً و پتیرینی است که فرد در پشت آن به تماشای بازی بی‌پایان نشانه‌ها، اشیاء، ایماژها و تصاویر نشست است.

این دیدگاه نظری قطب‌نمای اصلی تحقیق حاضر در مطالعهٔ کیفی پدیدهٔ «ارتباط» در شبکهٔ اجتماعی بی‌تاک بود. آنچه موضوعیت داشت فهم عمیق شرایط، فرم‌های تعامل و پیامدهای

این «ارتباط» بود. طبق نتایج تحقیق، تا آنجا که به شرایط تسهیل گر و مداخله گر عضویت و فعالیت افراد در این شبکه مربوط می شود، می توان مشخصاً به «پیگیری علایق واقعی در دنیایی غیر واقعی» و «بازنمایی خواست ها/ صداها در دنیای مجازی» (تسهیل گر) و «دسترس پذیری فوری» (مداخله گر) اشاره کرد. اما کاربران با ورود به این شبکه وارد شکل هایی از تعامل و ارتباط می شوند که در دنیای واقعی لزوماً وجود ندارند. مهم ترین این ها عبارتند از «نمایش هویت ساختگی» (میل به گمنامی، پنهان سازی هویت، خواست غلبه بر موانع واقعی)، «تجربه فضایی کارناوالی» (طنز و خنده، جک سازی، لذات آنی، شوخ طبعی، سرگرمی)، «سواد حیابی» (اشتراک گذاری، ابراز معلومات، تمرین اظهارنظر، دسترسی به اطلاعات عمومی) و «زمان/ مکان زدایی از ارتباط» (امحای زمان، برکندن از مکان، آفلاین بودن، درگیری ذهنی). وارد شدن به این فرم های تعامل پیامدهایی واقعی در زندگی واقعی این کاربران دارد. اصلی ترین این پیامدها «اعتیاد مجازی» (تسهیل ارتباط آنی، بی خوابی، وابستگی، تغییر ساختار مکالمه ای، تک بعدی شدن زندگی، افول روابط واقعی) و «جمع گرایی مجازی» (گسترش و تغییر شکل روابط، افزایش دانسته های عمومی، دگر دیسی دوستی، ناپایداری روابط، لحظه ای شدن تجارب زیسته) هستند.

بدین ترتیب، برای کاربر بی تاک، جهان زندگی چیزی به جز مجموعه ای از نشانه ها و ایماژها نیست. دیگری او نوشته، عکس، علامت یا هر نوع متنی است که با یک کلیک به سخن می آید و معنا یا پیامی می فرستد. در این فضا هیچ شیء یا نشانه ای هستی مستقل ندارد بلکه هستی خود را از قبل حضور در یک نظم نشانه ای/ تصویری پیچیده و هزار تو به دست می آورد. کاربر در مقام سوژه ای با هویت چندپاره در این هزار تو به دنبال معنا سازی و هویت یابی و برقراری ارتباط معنادار تقلا می کنند. اما بی ریشگی، از جا کنده گی، ناماندگاری، شناور بودن و بی ثباتی دائمی اشیاء و نشانه ها و ایماژها چنین امکانی به او نمی دهد. این همان جهانی است که در آن «نشانه ها و اشیاء دیگر به هیچ وجه به یک کارکرد یا نیاز مشخص وابسته نیستند، لذا به هر چیز دیگری، خواه منطق اجتماعی و خواه منطق میل، واکنش نشان می دهند و به عنوان حوزه سیال و ناآگاهانه دلالت عمل می کنند» (همان: ۱۰۵).

امروزه جهان مجازی در سیلی از تکثر معانی و وفور بی حد و حصر باز نمودهای فرهنگی مستغرق است و کاربران ساکن در این اجتماعات مجازی صرفاً در متن سیستمی از نشانه ها/



تصاویر زندگی می‌کنند. در شبکه‌های مجازی دیگر نمی‌توان مدعی «معنای حقیقی واژه‌ها و چیزها»، «کنش ارتباطی راستین»، «تمایز پندار و واقعیت» و «تمایز خود و دیگری» شد. اینجا به سبب فشار نشانه‌ها/ تصاویر، جهان زندگی به قالب توده‌ای مسطح و همسان و بی‌صدا درآمده است. کل جهان زندگی و حیات روزمره، برای کاربران بی‌تاک، «در هیأت محصولات بسته‌بندی شده و مواد نشانه‌ای عرضه می‌شود» (همان، ۲۵۵). این وانموده‌های خودبسنده و این شبیه‌سازی‌های بی‌ارتباط با واقعیت عملاً ردپا و اثر هر نوع زندگی واقعی و معنای ثابت و تجربه زیسته اصیل را در حیات اجتماعی کاربران نابود می‌کند.

اگر کل این تحول خصلت لاینفک مدرنیته متأخر است، در ایران شرایطی همچون فرو بسته بودن فضاهای زندگی اجتماعی، فقدان حمایت‌های گروهی، نبود شبکه‌های مدنی دوستی، موانع موجود بر سر راه ابراز جمعی هیجان‌ها و عواطف و زوال گفتگو، زمینه را برای ورود بی‌رویه افراد به شبکه‌های اجتماعی ای همچون بی‌تاک هموار کرده است و عواملی نظیر سهولت ارتباط مجازی و تنوع تعامل‌ها و کم‌هزینه ودن و برقراری لحظه‌ای ارتباط و به‌طور کلی دسترس‌پذیری آنی دیگران این وضعیت را تشدید کرده است. حاصل کار، شکل‌گیری شکلی از تعامل و حیات روزمره است که در آن بخش عظیمی از وقت و انرژی فرد، به‌نحوی کاملاً اعتیادآلود، صرف حضور و فعالیت در فضایی می‌شود که در آن بودن با جمع و ارتباط با دیگران صرفاً صورتی کاذب و شبیه‌سازی شده است.



منابع

- آگامین، جورجو (۱۳۸۷). *والتر بنیامین در برابر کارل اشمیت* (مترجم: جواد گنجی)، در قانون و خشونت، گزینش و ویرایش مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: نشر رخداد نو.
- ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۸۸). *الگوی استفاده از اینترنت: محیط یادگیری و بافت اجتماعی. تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹۷-۱۱۸، (۳)۲.
- استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی*، (مترجم: ابراهیم افشار). تهران: نشر نی.
- بنت، اندی (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره*، (مترجم: لیلا جو افشانی و حسن چاوشیان). تهران: اختران.
- بخشی، بهاره و همکاران (۱۳۹۲). «نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی شبکه اجتماعی کفه‌مام، شبکه‌ای برای مادران و کودکان). *پژوهش‌نامه زنان*، ۲، ۵۹-۳۷.
- بودریار، ژان (۱۳۸۳). *گسترش تکنولوژی و تعمیق فضای مجازی. سیاحت غرب*، ۱۶، ۱۸-۱۶.
- تومی، ا. (۱۳۸۳). *جامعه‌دانی و پرسش‌های پژوهشی آینده*، (مترجم: اسماعیل یزدان‌پور). تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- جهانگرد، اسفندیار (۱۳۹۱). *برآورد اثرهای اقتصادی شبکه‌ای سیستم تلفن همراه اول در تهران. تحقیقات اقتصادی*، ۴۷ (۴)، ۱-۱۸.
- خواجه‌نوری، بیژن و همکاران (۱۳۹۳). *تأثیرات کاربرد اینترنت بر هویت ملی، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، ۲۵۴-۲۳۵.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶). *فرهنگ جوانان و تلفن همراه. تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۵۲-۱۱۹، (۳)۲.
- رابر تسون، رولند (۱۳۸۸). *جهان محلی شدن: زمان فضا و همگونی ناهمگونی*، (مترجم: مراد فرهادپور). ارغنون، ۲۴، ۲۳۸-۲۱۱.
- رفعت‌جاه، مریم؛ شکوری، علی (۱۳۸۷). *اینترنت و هویت اجتماعی. رسانه*، ۵، ۵-۲.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و فتحی، کورش (۱۳۸۸). *راهکارهای توسعه و بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس، مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۶ (۹)، ۲۹-۵۶.
- سعیدی، رحمان؛ کیا، علی اصغر (۱۳۸۵). *نقش جهانی شدن و رسانه‌ها در هویت فرهنگی. تهران: انتشارات خجسته.*
- شاهنوشی، مجتبی؛ تاجی، محمدرضا (۱۳۹۱). *تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان در شهرستان شهرکرد. مطالعات ملی*، ۵۱، ۱۱۲-۹۱.
- شهابی، محمود؛ بیات، قدسی (۱۳۹۱). *شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاربران جوان: از تداوم زندگی واقعی تا تجربه جهان وطنی. مجلس و راهبرد*، ۶۹، ۱۸۰-۱۵۱.
- صادقیان، عفت (۱۳۸۹). *تأثیر اینترنت بر کودکان و نوجوانان. مجله الکترونیکی نما*، ۴.
- عدلی‌پور، صمد؛ قاسمی، وحید؛ میر محمدتبار، سیداحمد (۱۳۹۳). *تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی*



جوانان شهر اصفهان: تحقیقات فرهنگی ایران، ۷(۱) ۲۸-۱.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). مصرف فرهنگی اینترنت و شکل‌نگرفتن هویت مجازی (مردم‌نگاری دانشجویان سه دانشکده ادبیات، عمران، معماری). *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۱۳ (۱۹).
فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی.
کازنو، ژان (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی و سبایل ارتباط جمعی*، (مترجم: ساروخانی و محسنی). تهران: اطلاعات.
کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات، پایان هزاره*، (مترجم: احد علیقلیان و افشین خاکباز). ج ۳. تهران: طرح نو.
گاردینر، مایکل (۱۳۸۱). *تخیل معمولی‌باختین*، (مترجم: یوسف ابادری). ارغنون، ۲۰، ۶۶-۳۲.
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). *پیامدهای مدرنیته*، (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: نشر مرکز.
واترز، مالکوم (۱۳۷۹). *جهانی‌شدن*، (مترجم: اسماعیل مردانی کیوی و سیاوش مریدی). تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

هال، استوارت (۱۳۸۸). *هویت قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید*، (مترجم: شهریار وقفی‌پور). ارغنون، ۲۴، ۳۵۲-۳۱۹.

هریس، دیوید (۱۳۹۲). *مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت*، (مترجم: محمدسعید ذکایی و سنا چاوشیان). تهران: انتشارات تیسرا.

Aguayo, A. J. (2011). New media and activism. *Encyclopedia of Social Movement Media*, (ed. John D. H. Downing). London: Sage.

Bakhtin, M. (1984). *Problems of Dostoevsky's Poetics*, trans. C. Emerson. Manchester: Manchester University Press.

Bassett, C. (1997). Virtually Gendered: Life in an Online world. in K. Gelder and S. Thornton (eds.) *The Subcultures Reader*. London: Routledge.

Boyd, D. M. & Ellison, N. B. (2007). Social Networks Sites: Definition, History and Scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13 (1), 210- 230.

Chaney, D. (1994). *The Cultural Turn: Scene Setting Essays on Contemporary Cultural History*. London: Routledge.

Stevenson, N. (1995). *Understanding Media Cultures*. London: Sage.



فصلنامه علمی-پژوهشی



دوره نهم
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۵

and techniques). Translated by: Afšār, E. Tehrān: Ney.

Tuomi, I. (1383 [2004 A.D]). Jāme'eh- ye dānāyi va porseš-hā-ye pažuheši-e āyandeh. (Persian translation of From periphery to center emerging research topics on knowledge society). Translated by: Yazdān Pur, E. Tehrān: Markaz-e Pažuheš-hā-ye Ertebātāt.

Waters, M. (1379 [2000 A.D]). Jahāni- šodan. (Persian translation of Globalization). Translated by: Mardāni Kivi, E., & Moridi, S. Tehrān: Sāzmān-e Modiriāt-e San'ati.

Xājeh Nuri, B., et al. (1393 [2014 A.D]). Ta'sirāt-e kārbord-e internet bar huviāt-e meli, motāle'eh-ye muredi: dānešjuān-e Dānešgāh-e Širāz. 'Olum-e ejtemā'i-e Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Vāhed-e Šuštar), 235-254.

Zokāyi, M. S. (1386 [2007 A.D]). Farhang-e javānān va telefon-e hamrāh. Tahqiqāt-e farhangi-e Irān, 2(3), 119-152.





- ‘omrān, me’ māri. Motāle’āt-e farhang-e erbebātāt, 13(19).
- Flick, U. (1387 [2008 A.D]). Darāmadi bar tahqiq-e keyfi. (Persian translation of [An introduction to qualitative, research]). Translated by: Jalili, H. Tehrān: Ney.
- Gardiner, M. (1381 [2002 A.D]). Taxayol-e ma’ muli-e Bāxtin. (Persian translation of Basic family therapy). Translated by: Abāzari, Y. Arghanun, 20, 32-66.
- Giddens, A. (1388 [2009 A.D]). Payāmad-hā-ye moderniat. (Persian translation of the Consequences of Modernity), translated by: Solāsi, M. Tehrān: Markaz.
- Hall, S. (1388 [2009 A.D]). Huviat-e qadim va jadid, qumiat-hā-ye qadim va jadid. Translated by: Vaqfi-pur, Š. Arghanun, 24, 319-352.
- Harris, D. (1392 [2013 A.D]). Mafāhim-e kelidi dar motāle’āt-e ferāghat. (Persian translation of Key concepts in leisure studies). Translated by: Zokāyi, M. S. & Čavošiān, S. Tehrān: Tisā.
- Jahāngard, E. (1391 [2012 A.D]). Barāvord-e asar-hā-ye eqtesādi-e šabakeh- ie sistem-e telefon-e hamrāh-e aval dar Tehrān. Tahqiqāt-e eqtesādi, 47(4), 1-18.
- Raf’at Jāh, M., & Šakuri, ‘A. (1387 [2008 A.D]). Internet va huviat-e ejtemā’i. Resāneh, 5, 2-5.
- Robertson. R. (1388 [2009 A.D]). Jahān- mahali- šodan: zamān- fazā va hamguni- nāhamguni. Translated by: Farhād Pur, M. Arghanun, 24, 211-238.
- Sādeqīān, ‘E. (1389 [2010 A.D]). Ta’sir-e internet bar kudakān va nujavānān. Namā, 4.
- Šahābi, M., & Bayāt, Q. (1391 [2012 A.D]). Šabakeh-hā-ye ejtemā’i-e majāzi va kārbārān-e javān: az tadāvom-e zendegi-e vāqe’i tā tajrobeh-ye jahān- vatani. Majles va rāhbord, 69, 151-180.
- Šāhnuši, M., & Tāji, M. R. (1391 [2012 A.D]). Ta’sir-e šabakeh-hā-ye ejtemā’i bar sabk-e zendegi-e javānān dar Šahrestān-e Šahr-e Kord. Motāle’āt-e meli, 51, 91-112.
- Sa’idi, R., & Kiā, ‘A. A. (1385 [2006 A.D]). Naqš-e jahāni- šodan va resāneh-hā dar huviat-e farhangī. Tehrān: Xojasteh.
- Sobhāni Nežād, M., & Fathi, K. (1388 [2009 A.D]). Rāhkār-hā-ye tuse’eh va bekārgiri-e fanāvare- etelā’āt va erbebātāt dar madāres. Ravānšenāsi-e tarbiati, 6(9), 29-56.
- Stevenson, Nick (1995). Understanding Media Cultures. London: Sage.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1390 [2011 A.D]). Mabāni-e pažuheš-e keyfi. (Persian translation of Basics of qualitative research: Grounded theory procedures

Bibliography

- ‘Adli Pur, S., Qāsemi, V., & Mirmohamadtabār, S. A. (1393 [2014 A.D]). Ta’sir-e šabakeh-ye ejtemā’i-e Feys-buk (Facebook) bar haviat-e farhangi-e javānān-e Šahr-e Esfahān. Tahqiqāt-e farhangi-e Irān, 7(1), 1-28.
- Agamben, G. (1387 [2008 A.D]). Vālder Benyāmin (Benjamin, Walter) dar barābar-e Kārl Ešmit (Schmitt, Carl). In “Qanun va xošunat”. (Persian translation of Law and Terror). (Translated by: Ganji, J). (edited by: Farhād Pur, M., & Mehregān, O). Tehrān: Roxdād-e Nu.
- Aguayo, Angela, J. (2011). New media and activism. Encyclopedia of Social Movement Media, (ed. John D. H. Downing). London: Sage.
- Bakhtin, M. (1984). Problems of Dostoevsky’s Poetics, trans. C. Emerson. Manchester: Manchester University Press.
- Bassett, Caroline (1997). Virtually Gendered: Life in an online world. In K. Gelder and S. Thornton (eds.) The Subcultures Reader. London: Routledge.
- Baudrillard, J. (1383 [2004 A.D]). Gostareš-e teknuluži va ta’miq-e fazā-ye majāzi. Siāhat-e gharb, 16, 16-18.
- Baxši, B., et al. (1392 [2013 A.D]). Naqš va kār-kard-e šabakeh-hā-ye ejtemā’i (motāle’eh-ye muredi: šabakeh-ye ejtemā’i-e Kafeh-mām, šabakeh-i barāye mādarān va kudakān. Pažuheš-nāmeḥ-ye zanān, 2, 37-59.
- Bennett, A. (1386 [2007 A.D]). Farhang va zendegi-e ruzmareh. (Persian translation of culture and everyday life). Translated by: Juafšāni, L., & Čāvošiān, H. Tehrān: Axtarān.
- Boyd, D. M.; Ellison, N. B. (2007). Social Networks Sites: Definition, History and Scholarship. Journal of Computer-Mediated Communication, 13 (1), 210- 230.
- Castells, M. (1385 [2006 A.D]). ‘Asr-e etelā’āt, pāyān-e hezāreh. (Persian translation of the Rise of the Network Society). (3rd vol.). Translated by: ‘Aliqoliān, A., & Xākbāz, A. Tehrān: Tarh-e Nu.
- Cazeneuve, J. (1370 [1991 A.D]). Jāme’eh- šenāsi-e vasāyeh-e ertebāt-e jam’i. (Persian translation of La societe de l’ubiquite; communication et diffusion). Translated by: Sāruxāni, B., & Mohseni, M. Tehrān: Etelā’āt.
- Chaney, David (1994). The Cultural Turn: Scene Setting Essays on Contemporary Cultural History. London: Routledge.
- Ebrāhim Ābādi, H. (1388 [2009 A.D]). Olgu-ye estefādeh az internet: mohit-e yādgiri va bāft-e ejtemā’i. Tahqiqāt-e farhangi-e Irān, 2(3), 97-118.
- Fāzeli, N. (1391 [2012 A.D]). Masraf-e farhangi-e internet va šekl- nagereftan-e haviat-e majāzi (mardom-negāri-e dānešjuān-e seh dāneškadeh-ye adabiāt,



Consuming Social Networks: A Study on BeeTalk Network

Received Date: December 25, 2015

Accepted Date: July 3, 2016

Jamal Mohammadi¹
Kamal KhaleghPanah²
Elaheh Gholami³

Abstract

BeeTalk is one of the most common social networks that have attracted many users during these years. As a whole, social networks are parts of everyday life nowadays and, especially among the new generation, have caused some basic alterations in the field of identity-formation, sense-making and the form and content of communication. This article is a research about BeeTalk users, their virtual interactions and experiences, and the feelings, pleasures, meanings and attitudes that they obtain through participating in the virtual world. This is a qualitative research. The sample is selected by way of theoretical sampling among the students of University of Kurdistan. Direct observation and semi-structured interviews are used to gathering data, which are interpreted through grounded theory. The findings show that some contexts like “searching real interests in a non-real world” and “the representation of users’ voices in virtual space” have provided the space for participating in BeeTalk, and an intervening factor called “instant availability” has intensified this participation. Users’ participation in this social network has changed their social interaction in the real world and formed some new types of communication among them such as “representation of faked identities”, “experiencing ceremonial space” and “artificial literacy”. Moreover, this participation has some consequences like “virtual addiction” and “virtual collectivism” in users’ everyday life that effects their ways of providing meaning and identity in their social lives. It can be said that the result of user’s activity in this network is to begin a kind of simulated relation that has basic differences with relations in the real world. The experience of relation in this network lacks nobility, enrichment and animation, rather it is instant, artificial and without any potential to vitalization.

Keywords: Social Networks, Instant Availability, Artificial Literacy, Virtual Collectivism, Identity-Formation.

1. Associate Professor of Sociology, University of Kurdistan (Corresponding Author);
m.jamal8@gmail.com

2. Assistant Professor of Sociology, University of Kurdistan, Kkhaleghpanah@yahoo.com

3. M. A. of Sociology, eli.gh.eng@gmail.com

